

تغییر مفهوم کارکردی حیاط خانه در گذشته و حال، مورد مطالعاتی: قشر مذهبی در شهر قم

مسعود ناری قمی^۱ - مهدی ممتحن^۲ - علی محلاتیان^{۳*}

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده فنی پسران قم، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، قم، ایران.
۲. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
۳. کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۶ تاریخ اصلاحات: ۹۷/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۶/۱۷ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۶/۳۱

چکیده

مفهوم فضای باز در معماری مسکونی ایران در دهه‌های گذشته با تغییرات اساسی ایجاد شده توسط سیستم توده‌گذاری شهری و تعریف مفهوم جدیدی به نام حیاط نیمه‌خصوصی در واحدهای آپارتمانی دچار تغییر شده است. این پژوهش با بررسی ادبیات موجود، تغییر در کارکردها و فعالیت‌های حیاط را دسته‌بندی نموده است. سپس وضعیت مفاهیم گذشته در ذهن مردم معاصر (با تمرکز بر کارکردهای روزمره) به صورت میدانی تحلیل شده است. پژوهش ادبیات موضوع به صورت تفسیری تاریخی و مردم‌نگاری به دو صورت کمی و کیفی صورت گرفته است. نخست به صورت کمی برآوردی از نگرش دسته‌منتخبی از قشر مذهبی شهر قم به دست آمد و سپس از مصاحبه باز برای پژوهش کیفی استفاده شد تا تفسیر مردم‌نگارانه مطمئن‌تری، انجام شود. برای تحقیق کیفی شش خانوار به صورت طیف زمانی و در دو الگوی حیاط‌دار و آپارتمانی از میان قشر مذهبی و قشر متوسط ساکن قم انتخاب شده‌اند و اطلاعات مورد استفاده در این مقاله از میان مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته طولانی استخراج شده است. براساس مرور ادبیات پژوهشی مربوط به حیاط در دوره اسلامی ایران در مسکن واجد مفاهیم بنیادی حریمیت، فضای زنانه، تمرکز فعالیت‌های خانگی و تقدس این مکان از دیدگاه دینی و اجتماعی است؛ بررسی‌های موردی این پژوهش نشان می‌دهد که به‌رغم حذف واقعیت مفهومی حیاط از زندگی روزمره، همچنان تصویر ذهنی از به عنوان حیاط مرکز فعالیت و حیاط پیوسته با طبیعت و آسمان (به‌عنوان عنصر مقدس) در اذهان نسل‌های میانسال وجود دارد و در مورد جوان‌ترها نیز وجود این تصویر قابل انکار نیست، اما مفاهیم مدرن سکونت و کم‌اهمیت شدن کار خانگی، عدم تمایل نسل‌های متأخر مذهبی را به بخشی از کارکردهای بنیادی حیاط ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: حیاط، خانه، کارکردهای حیاط، مفهوم حیاط، فضای زنانه، تقدس مکان.

۱. مقدمه

تبیین می‌شود؛ سپس الگوهای کارکردی- مفهومی حیاط سنتی، در منابع بازخوانی و دسته‌بندی می‌شود؛ در مطالعه میدانی نیز در دو مرحله کمی و کیفی، وضعیت مفاهیم گذشته در ذهن مردم معاصر (با تمرکز بر کارکردهای روزمره) بازخوانی و تحلیل می‌شود.

۲. بیان مسأله: کاهش کارکرد حیاط مسکن ایرانی یک اجبار بیرونی یا یک دگرگونی عمیق اجتماعی؟

حیاط خانه ایرانی، مهم‌ترین فضای کیفی زیسته شده برای مردم این سرزمین بوده است که در دوران اخیر کاملاً به‌سوی نابودی کشانده شده است. در میان مسائل زیادی که منجر به این امر شده است، همگان به سوی دو نکته اشاره دارند: مورد اول، ترویج آپارتمان‌نشینی است و مورد دوم قاعده توده‌گذاری شهرداری در دهه‌های اخیر.

در مورد آپارتمان‌نشینی، تنها معادل نزدیکی که برای حیاط باقیمانده، در مجتمع‌ها است که «فضای باز آن‌ها در شمال یا جنوب بنا واقع شده و هنوز نام حیاط به آن‌ها اطلاق می‌شود. این حیاط‌ها، فضاهایی عبوری هستند که اگرچه به مالکیت خصوصی تعلق دارند، لیکن جز عملکرد عبور و توقف ماشین، امکان دیگری را برای ساکنان فراهم نمی‌آورند. خاصه فضاهای باز واقع در جنوب بنا، کاملاً مورد اشرف واقع شده‌اند. در خانه‌هایی که بنا و ورودی اصلی در شمال قطعه زمین و حیاط در جنوب آن واقع شده است و فضای بسته خانه جنوبی، بدنه جنوبی حیاط را تشکیل می‌دهد، حیاط به خاطر برخورداری از تعریف و حداقل اشرف می‌تواند از وضعیت تأثیرگذارتری برخوردار باشد» (Haeri, 2009, p. 165)؛ در حال این وضعیت، به‌هیچ‌وجه قابلیت‌های حیاط گذشته را دارا نیست (Eini-far & Ghazizadeh, 2010).

مسأله دوم قانون توده‌گذاری ردیفی است که به‌عنوان ضابطه ۴۰-۶۰ از آن یاد می‌شود و در چهار دهه اخیر با تغییرات اندکی، قاعده حاکم بر بناهای معمولی تمام ایران بوده است (Bandarabad, 2010). به‌عنوان یک نمونه از نقدهای وارد بر این ضابطه (۴۰ درصد حیاط در جنوب زمین)، می‌توان به تحلیل فرناند بنا^۱ (استادیار آن روزگار دانشگاه تهران) اشاره کرد؛ او ابتدا به ظهور خودجوش الگوی این قانون در شهر تهران در اثر مدرنیزاسیون بافت اشاره می‌کند (Bena, 1977). سپس به آثار خود قانون شهری ۴۰-۶۰ در از بین بردن کیفیت حیاط می‌پردازد. آسیب‌های که وی در مورد این ضابطه ذکر می‌کند، به‌جز محدودیت محل ساختمان و حیاط که معماران و کارفرما را در رسیدن به طرح خوب، دست‌بسته نگه می‌دارد، موارد دیگری را از قبیل، نگاه دو بعدی به شهر و عدم توجه طرح جامع به بعد سوم، تمایل صاحبان بنا برای خودنمایی بیش‌ازحد به دلیل ردیف شدن نماها در کنار هم به تبع آن، آشفتگی کلی سیمای شهری و از دست رفتن حس

حیاط خانه با حوض آب و باغچه آن، یک خاطره جمعی میان مردم ایران مرکزی است. اهمیت این فضا تنها در این خاطره خلاصه نمی‌شود؛ در بحث تمایزهای بنیادی فرهنگی غرب و شرق در حوزه معماری، حیاط (به‌ویژه در قالب حیاط مرکزی) جایگاه ویژه‌ای دارد. لوکوربوزیه در امتداد سنت دوران مدرن مبنی بر معرفی ریشه‌های جدید برای امور قدیم (همان سنتی که با لوژیته در اعلام کلبه به‌عنوان منشأ معماری پایه‌گذاری شد) صومعه‌های تک‌نفره پراکنده در فرانسه را به‌عنوان الگو و سلول مولد خانه معرفی کرد و موندریان نیز از آن با پیشنهاد سلول به عنوان واحد مولد خانه، خیابان و شهر در مقابل دستیل دفاع کرد (Overy, 1997, pp. 119-120). در این الگو در کنار سه الگوی دیگر معرفی شده در این سنت (کلبه لوژیته و چادر و غار گواتمه دوکوئینسی - Groat & Wang, 2005)، یک جوهر مشترک مفهوم خانه در نظر غربی‌ها دیده می‌شود و آن، عدم اصالت فضای باز به عنوان یک بخش پایه مسکن است؛ این امر دستکم در معماری حوزه جغرافیایی- فرهنگی ایران و با تقریب خوبی در تمام عالم اسلامی، وضعیتی متفاوت دارد؛ در این سرزمین و در خانه‌های موجود تاریخی در ایران مرکزی، آنچه خانه را خانه می‌کند، در وهله اول انتظام فضای باز آن است (Herdeg, 1990)، اتاق‌ها نیز به تبع آن معنادار می‌شوند؛ این نگرش، مبتنی بر نسبت بنیادی مفهوم خانه با خانواده است؛ زیرا خانه در این فرهنگ در درجه نخست جایی است که «خانواده» را در خود جای می‌دهد و تصور این «جمع» در ظهور کالبدی خود، یک تعیین مرز جامعه کوچک و بزرگ را به عنوان نخستین تصور از خانه مطرح می‌کند، یک فضای محصور، نه با سقف بلکه با دیوارهایی که این جمع را از دیگر انسان‌های موجود روی زمین متمایز کند؛ درست پس از این تمایز و ادراک «ما» به‌عنوان یک جمع متمایز است که برقراری نسبت درست میان «ما» (خانواده) با یکدیگر و با محیط مطرح می‌شود و نه ماقبل آن. در این فهم ثانوی از مفهوم خانه است که تفکیک فضا (ایجاد تمایز میان انواع حضور ما با هم و بدون هم) و حفاظت فضا (در قبال عوامل اقلیمی و محیطی) پیش می‌آید. این فهم ثانوی، بعد از فهم فضای باز ما، منجر به تولید اتاق و فضای بسته و نیمه‌بسته می‌شود. با این تفسیر، «حیاط» ذات خانه در ایران است. این محوریت در تمرکز فعالیت‌های اصلی خانوادگی در حیاط خانه سنتی به ظهور رسیده است. به‌نحوی که اکثر رفتارهای خانگی به صورت کامل و یا نسبی در حیاط رخ می‌داده است. بنابراین مسئله کارکردهای حیاط در خانه موضوعی است که می‌تواند به نوعی میزان موفقیت و کارایی حیاط را به صورت عینی نمایش دهد.

در این پژوهش نخست صورت مسأله تغییر در کارکرد حیاط ایرانی و مشخصاً بحث «کاهش» کاربری حیاط،

مفهوم توسعه پایدار است (Ahmadi, 2005). این مقاله شش لایه اصلی را در مورد حیاط مرکزی معرفی کرده که مفاهیم کیهانی، مفاهیم کهن الگویی، مفاهیم اجتماعی (محرمت)، مفاهیم اقلیمی (جهت‌گیری، فضای حفاظت شده خرده اقلیمی، نسبت جداره به فضای باز) از جمله آن‌هاست؛ راپوپورت (Rapoport, 2007) و نیز نقره‌کار و دیگران (۲۰۱۴) بر نقش حیاط به عنوان یک کانون اجتماعی خانواده در بازشناسی مفاهیم حیاط (حیاط سنتی) در دیدگاه معاصر تأکید کرده‌اند که متأثر از سه عامل (مصالح، آب و تطبیق‌پذیری) دانسته شده است (Noghrekar, Hamzenejad, & Bagheri, 2014).

درباره مفاهیم اسلامی یا مرتبط با اسلام در مورد حیاط مرکزی در عالم سنتی، مهم‌ترین نظریه مفهومی، «زنانه» بودن حیاط مرکزی است که اساس آن، تفکیک کل فضای انسان ساخت بر مبنای جنسیت در اسلام، در برداشت محققین غیر مسلمان از کلیت ظاهری جامعه مسلمانان است. تعبیر خاص معتقدین به این تحلیل در مورد محیط‌های منتسب به اسلام، از «مردانه» بودن فضاهای بازار و راه‌ها (Peterbridge, 2000, p. 195; Costello, 1989, pp. 127-9) چیزی است که در فرهنگ‌های بومی - حتی در غرب - نیز کمابیش، موضوعی تثبیت شده است (Rapoport, 2005, pp. 204-8)؛ ویژگی‌های توپولوژیک تعریف اسلام از حضور زن و مرد در فضای کالبدی، موضوعی است که مبانی اسلامی متقنی برای آن وجود دارد (Nari Ghomi, 2010).

نظریه مفهومی دیگری که حیاط مرکزی را کانون اصلی خانه می‌داند، نظریه مقدس بودن حیاط در خانه است. طرفداران نظریه‌های عرفانی - تمثیلی در تبیین فضای اسلامی، به‌طور عمده با گرایش به روحیه تصوف در جستجوی آن بوده‌اند که نشان دهند که چگونه در دوران اسلام پیش از مدرن، تجربه رمزآلود، به نحوی اجتناب‌ناپذیر به اکثر جنبه‌های حیات، از جمله اعمال خلاقه ساختن، مرتبط می‌شود (Akkach, 2005, p. 5). مثلاً در همین منبع برای الگوی حیاط مرکزی، محورهای شش‌گانه‌ای منشأ مفهومی حیاط مرکزی دانسته می‌شود. که منشأ از تحلیل «ابن عربی» است که حرکت از درون به بیرون معنوی را به‌واسطه محورها، در ماده متمثل می‌داند. نصر (۱۹۹۶) اهمیت نمادین فضای خالی و حیاط را از باب ماده‌زدایی و ایجاد خلأ مقدمه ظهور معنا مورد تأکید قرار داده است (Nasr, 1996).

این بحث نمادین در دوره متأخر آن‌قدر جدی تلقی شده است که برخی (Klein, 2014) ظهور مفهوم فضای خالی به‌عنوان یک موضوع پایه در معماری مدرن را ناشی از اصالت آن در مباحث اسلامی و شرقی و تأثیر این فرهنگ بر مدرنیست‌های نخستین نظیر سمیر و آدولف لوس دانسته‌اند. اردلان و بختیار نمادین بودن معنوی حیاط را مشابه باغ و به عنوان تصویر بهشت، مورد اشاره قرار

«همشهری‌گری» شامل می‌شود. این خودنمایی همچنان نور و دید همسایگان را به‌دلیل ارتفاع‌گرایی مورد تجاوز قرار می‌دهد. تحلیل زود هنگام فرناند بنا همچنان هم اعتبار خود را حفظ کرده است و این پدیده، آثار متنوعی را در نابودی کیفیت فضای باز شخصی مسکونی ایجاد کرده است.

در این پژوهش، ابتدا سعی می‌کنیم کارکردهای وسیع حیاط مسکن ایرانی را براساس تحقیقات پیشین، و تحلیل و تفسیر آن‌ها، جمع‌بندی کنیم، سپس در پیمایش میدانی، این یافته‌ها در مورد سنت را در وضعیت معاصر به آزمون بگذاریم و میزان بقای این مفاهیم را در مورد یک موضوع خاص، یعنی «کارکرد و استفاده از فضای باز مسکونی» در آذهان مردم بررسی نماییم.

۳. مفهوم کارکردی حیاط خانه

راپوپورت (۲۰۰۷) شش مفهوم اصلی برای حیاط مرکزی ذکر کرده است: ۱. گونه خاص از محرمت، ۲. قرارگاه ویژه رفتاری جمعی و فردی، ۳. مرکز ارتباطی، ۴. مولد بافت به‌هم‌پیوسته، ۵. کارآیی اقلیمی و ۶. تقویت انزوای اجتماعی. راپوپورت اصالت موضوعی حیاط را به همین ترتیبی که ذکر شد می‌داند (یعنی اقلیم در اولویت پنجم است). بررسی دیگر (Farokhzad & Modiri Dovom, 2014)، آن را به هشت مورد رسانده‌اند: ایجاد محرمت و حفاظت از زنان، کارکرد اقلیمی و ایجاد یک خرداقلیم مناسب، ایجاد منظر و چشم‌انداز طبیعی بدون حذف محرمت، ارتباط بصری و فیزیکی داخل و خارج فضای باز، حضور طبیعت در خانه، عرصه زندگی خانوادگی، کاهش آلودگی صوتی، وحدت‌دهنده و سازمان‌دهنده فضاهای مختلف خانه. به‌طور کلی در مورد حیاط خانه ایرانی تحقیقات مفهومی - کارکردی زیادی انجام شده است با این حال تحقیق در مورد ذهنیت مردم درباره مفهوم کارکردی حیاط با روش مردم‌نگاری در هیچکدام انجام نشده است.

آنچه که مسلم است، نگرش اسلامی در مورد شکل مفهومی حیاط تأثیر بنیادی داشته است که ماورای مسائل تاریخی باید مورد نظر قرار گیرد (Nari Ghomi, 2010). در عین حال راپوپورت در بررسی گسترده خود (Rapoport, 2007)، شاخصه کلیدی حیاط مرکزی را جایگزین بسیاری از مکانیزم‌های خرد محرمت می‌داند که در صورت نبود حیاط مرکزی باید به آن‌ها متوسل شد؛ از منظر وی، بحث اقلیمی حیاط مرکزی بسیار ضعیف‌تر از موضوعات دیگر است؛ این ویژگی که وی نمونه آن را در بغداد و عدم کارآیی کامل اقلیمی حیاط مرکزی ذکر کرده است؛ در اقلیم شرعی جنوب ایران نیز به‌خوبی مشهود است؛ احمدی (۲۰۰۵) لایه‌های مختلف مفاهیم حیاط مرکزی را در ارتباط با انسان و طبیعت مطرح کرده است و هدف آن تعمیم نسبت حیاط مرکزی با وجوه ظاهری و عمقی

«فعالیت»، واجد اهمیت می‌شمرد (Castello, 2010, p. 62).

با توجه به مبانی فوق به‌منظور بررسی ادعای مطرح‌شده در ادبیات تحلیلی معاصر در مورد کاهش حضور حیاط در عرصه زندگی واقعی و نیز ذهنیت مردم با تأکید بر مفهوم دینی حیاط، پیمایشی میان قشر متوسط مذهبی در شهر قم طراحی شد. در این پیمایش ابزار اصلی برای سنجش پرسش در مورد میزان اهمیت انجام مجموعه متنوعی از فعالیت‌ها در حیاط بود؛ فعالیت‌هایی که ممکن است اکنون چندان مورد‌نظر مردم نباشند، اما در پیشینه تاریخی حیاط نقش اصلی را داشته‌اند و نیز فعالیت‌های جدید؛ برای رسیدن به حداکثر فعالیت‌های مرتبط با حیاط، علاوه بر مرور منابع، از روش طوفان ذهنی تعدادی از کارشناسان معماری ساکن شهر قم در این مورد استفاده شد که پس از حذف موارد تکراری و مشابه، ۲۱ مورد اصلی برای بررسی انتخاب شد. این فعالیت‌ها در پنج دسته لحاظ شد: فعالیت‌های طبیعت‌گرا، فعالیت‌های اصلی خانوادگی، فعالیت‌های جمعی اختصاصی حیاط، فعالیت‌های خدماتی اختصاصی حیاط و فعالیت‌های غیراختصاصی حیاط. سه حوزه نخست، مشتمل بر فعالیت‌های مربوط به تحلیل‌های دینی- اجتماعی از حیاط (در کنار فعالیت‌های عرفی) است که در بالا ذکر شد و دو دسته دیگر فعالیت‌های حاشیه‌ای حیاط را در برمی‌گیرد.

۵. روش پژوهش

این پژوهش نخست به‌صورت کمی در میان دسته منتخبی از خانواده‌ها صورت پذیرفت (نمونه‌گیری هدفمند^۲، Iman, 2009, p. 316). در انتخاب این خانواده‌ها یک معیار اصلی تعلق آن‌ها به سبک زندگی اسلامی بود تا بتوان تمام مفاهیم ذکر شده در ادبیات موضوع را در نظرات آن‌ها مطالعه کرد. بر این اساس با توجه به شناخت قبلی خانواده‌ها الگوهای رفتاری روزمره آن‌ها و باور خود این افراد به تعلقشان به قشر مذهبی، این انتخاب صورت پذیرفت. سپس از مصاحبه باز برای پژوهش کیفی استفاده شد تا تفسیر مردم‌نگارانه مطمئن‌تری، انجام شود. بررسی کمی آن با توزیع ۱۱۳ پرسش‌نامه در میان افرادی در سنین ۱۹ تا ۶۵ سال انجام شده است. از نظر نوع خانه نظر ۶۱ نمونه از پرسشنامه‌ها را ساکنین خانه‌های حیاطدار و ۴۷ عدد از آن‌ها را ساکنین خانه‌های آپارتمانی پاسخ دادند (پنج مورد اجاره‌نشین در خانه‌های مختلف بودند). در توزیع این پرسشنامه‌ها تلاش شد هر فرد نماینده یک خانوار باشد تا تنوع دیدگاهی لازم برای انجام این پژوهش تأمین گردد. محل توزیع این پرسشنامه‌ها نیز در بیمارستان، دانشگاه، تجمعات خانوادگی و جمع‌های دوستانه بوده است و افراد مورد آزمون از نظر تعلق به قشر هدف مطالعه، به‌صورت هدفمند گزینش شده‌اند. در مورد تحقیق کیفی صورت گرفته نیز باید گفت

داده‌اند (Ardalan & Bakhtiar, 2002, pp. 47-48) و شایگان (۱۹۹۳) نیز کمابیش همین ویژگی را پذیرفته است (Shayegan, 1993). استیرلن نیز از منظر تجلی امر روحانی، حیاط را اصل‌تر از فضای بسته می‌داند و در مورد معنای فضای باز روش تحلیل خاصی را ارائه می‌کند که در آن روحانیت فضا از فضای باز به سمت بسته کمتر می‌شود و مهم‌ترین عامل ظهور معنویت در حیاط تصور می‌شود (Stierlin, 1998). تحلیل استیرلن نیز تا حد زیادی متکی به مفهوم خلأ است که با ممانعت از عبور نور (به‌عنوان اصل روحانیت در فضا در نگاه اشراقی) پیوند می‌خورد. اما در این گرایش، فعالیت آیینی- اجتماعی حیاط مرکزی کمتر از موارد دیگر، مورد تأکید بوده است؛ گرچه نظریه‌های خاص در این مورد وجود دارد؛ در مورد نسبت حیاط مرکزی با آیین‌های شیعی، نظریه نسبتاً بدیعی را (البته بدون شواهد کافی)، مقاله «حیات شیعه و تأثیر آن بر معماری حیاط در خانه‌های سنتی یزد» (Beigzadeh, 2013) ارائه کرده است؛ این مقاله فرضیه منشأ عملکرد مذهبی برای حیاط را (جدا از دیدگاه عرفانی) مطرح کرده است.

بدین ترتیب مفاهیم حیاط ایرانی قبل از مدرن شدن مسکن می‌تواند در هشت عنوان جمع‌بندی شود. شش عنوان از این موارد همان موضوعاتی است که راپاپورت در مقاله حیاط مرکزی خود به آن‌ها اشاره کرده است و در ابتدای این بخش ذکر شد. دو مورد دیگر زبانه بودن فضای حیاط و نقش آیینی و مقدس آن در زندگی ایرانی است که در بررسی کوتاه بالا توجیهات آن آورده شد.

۴. بررسی مفهوم کارکردی حیاط برای قشر مذهبی معاصر در شهر قم

در پژوهش موردی که در ادامه می‌آید، هدف اصلی، رسیدن به مفهوم حیاط از دید کاربران معاصر است. لذا از میان عوامل مختلف مؤثر بر درک مفهوم فضا است و لذا نوع نگاه مردم به رویدادهای جاری در فضای حیاط برای بررسی انتخاب شده است. این انتخاب با توجه اهمیت فعالیت در نظریه‌های حس مکان (Chris-Falahat, 2005 & 2006; Stedman, 2017) و بالآخص مدل مشهور دیوید کانتر که آن را یکی از سه فاکتور اصلی مکان می‌داند، قابل توجیه است؛ مطالعه استفاده از فضا و رفتار هدفمند که کانتر آن را «فعالیت» یا «کنش» می‌داند، مهم‌تر از مطالعه صرف رفتارها در فضاست (Canter, 1988, p. 11). ویلیامز (۲۰۱۴) فعالیت و حضور را هم در مورد پژوهش‌های مربوط به «بستگی به مکان» و هم «معنای مکان» حائز اهمیت دانسته است (Wil-liams, 2014). کاستلو عدم پرداختن عمیق به موضوع فعالیت در معنای محیط را برخاسته از نگرش روانشناسی ادراک و غلبه آن در معماری و شهرسازی می‌داند و طرح روانشناسی اجتماعی را به‌عنوان عامل متوجه «عمل» و

ارزش خود را در ذهن اکثریت جامعه مورد مطالعه، حفظ کرده است. این موضوع در بررسی‌های کیفی خود را به نحو بارزی به صورت امر واقع برای صاحبان خانه‌های حیاطدار و به صورت یک حس دل‌تنگی عمیق برای آپارتمان‌نشینانی که پیش‌تر در خانه‌های حیاطدار زندگی می‌کردند، نشان می‌دهد؛ مثلاً مصاحبه‌شونده دهه ۱۳۴۰ در مورد حیاط خانه سابقشان چنین می‌گوید: «زمان ازدواجم در خانه‌ای زندگی می‌کردیم که دارای حیاط مشترکی بین ما و چند خانواده از اقوام نزدیکمان بود. این حیاط در واقع همه‌کاره خانه ما بود و بیشترین زمان ما و فعالیت ما در آن سپری می‌شد. پس از آن نیز که مستقل شدیم حیاط بخش مهمی از خانه ما بود که بسیاری از فعالیت‌هایمان را در آن انجام می‌دادیم. اما الان به اجبار در آپارتمانیم و از این‌که شهر در حال حرکت به سمت آپارتمان‌سازی است بسیار ناراحتیم». مصاحبه‌شونده دهه ۱۳۶۰ نیز می‌گوید: «ما پیش‌از این در خانه‌ای حیاطدار اما قدیمی زندگی می‌کردیم. اما به دلیل موقعیت بد دسترسی آن و همچنین فرسودگی آن به اینجا منتقل شدیم. در خانه سابق ما حیاط فضای فعال بود و در آن باغچه‌ای داشتیم که در طول فصل‌های مختلف فعال بود. اما در این منزلمان اگرچه باز باغچه داریم و سعی کردیم برخی فعالیت‌هایمان را به صورت محدود دنبال کنیم. اما به دلیل خصوصی نبودن و اعتراض همسایگان به تدریج مجبور شدیم آن را تعطیل کنیم».

نمونه‌های مورد بررسی شش خانوار بوده که به صورت طیف زمانی (دوره‌های ۲۰ ساله مربوط به دهه شروع زندگی مستقل زوجین- دو زوج مربوط به دهه‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۸۰، دو زوج مربوط به دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۶۰ و دو زوج مربوط به دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۴۰) در دو الگوی حیاطدار و آپارتمانی از میان قشر مذهبی و قشر متوسط ساکن قم با در نظر گرفتن عامل امکان بررسی عمیق انتخاب شده‌اند (یعنی دارا بودن آشنایی نسبی با پژوهشگر و در دسترس بودن مکان زندگی برای مراجعه طولانی). اطلاعات مورداستفاده در این مقاله از میان مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته طولانی (در مجموع حدود ۲ تا سه ساعت برای هر خانوار)، استخراج شده است. با توجه به این‌که مفهوم زنانه بودن حیاط در سنت اسلامی از موارد مورد تأکید در ادبیات موضوع بود، انتخاب زنان به‌عنوان مصاحبه‌شونده اصلی می‌توانست توجیه بهتری داشته باشد.

۶. یافته‌های پژوهش

نخستین موضوع مورد بررسی، وجود تمایل مردم به داشتن حیاط و فعالیت در آن بود. در بررسی کمی- همان‌طور که در شکل ۱ دیده می‌شود- تمام حوزه‌های فعالیت در حیاط برای میانگین جامعه مورد بررسی به‌طور نسبی مهم است. یکی از این سه مفهوم بنیادی «حیاط مرکزی» از دیدگاه راپاپورت (۲۰۰۷) یعنی یک کانون تمرکز فعالیت، همچنان

شکل ۱: نمودار میانگین اهمیت هر دسته از فعالیت‌های حیاط برای گروه‌های مختلف پرسش‌شوندگان (ساکنان خانه‌های آپارتمانی و حیاطدار) و مجموع نتایج



جدول ۱: ویژگی‌های کلی فعالیت‌های حیاط از دید پاسخ‌دهندگان

عنوان دسته فعالیت	نظرات خانوارهای دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰	نظرات خانوارهای دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰	نظرات خانوارهای دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰
فعالیت‌های طبیعت‌گرا در حیاط	تمام فعالیت‌های طبیعت‌گرا به‌جز نگهداری حیوانات مهم تلقی شده است.	از میان فعالیت‌ها، ورزش و نگهداری حیوانات و ورزش برای این دسته مهم تلقی نشده است. زیرا خودشان اظهار داشتند اهل ورزش کردن نیستند.	همه فعالیت‌های طبیعت‌گرا به‌جز ورزش کردن برای آن‌ها مهم بوده است (بنا به اظهار خودشان اهل ورزش کردن نیستند).

عنوان دسته فعالیت	نظرات خانوارهای دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰	نظرات خانوارهای دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰	نظرات خانوارهای دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰
فعالیت‌های اصلی خانوادگی	تمام فعالیت‌ها به‌جز تعریف حیاط به‌عنوان خلوتگاه فردی برای این دسته مهم بوده است.	تمام فعالیت‌ها برای دسته مهم تلقی شده است. تنها مورد استثناء کم اهمیت بودن حیاط برای خانوارهای دهه ۶۰ به‌عنوان خلوتگاه شخصی بوده است.	دو فعالیت خوابیدن در حیاط و جمع شدن خانوادگی برای این دسته نسبتاً کم اهمیت بوده است.
فعالیت‌های اجتماعی اختصاصی حیاط	تمامی فعالیت‌های حیاط به‌جز تعامل با غریبه برای این دسته مهم بوده است.	تنها موضوع تعریف حیاط به عنوان محل برگزاری مراسمات اجتماعی برای خانوارهای دهه ۶۰ بی‌اهمیت بوده است.	تمامی فعالیت‌ها برای این دسته بی‌اهمیت تلقی شده است.
فعالیت‌های خدماتی اختصاصی حیاط	تمام فعالیت‌ها برای این دسته مهم بوده است.	موضوع نگهداری وسایل در حیاط اهمیت خود را از دست داده است.	وجود دستشویی در حیاط و نگهداری وسایل در حیاط اهمیت خود را از دست داده است.
فعالیت‌های غیراختصاصی حیاط	تمامی فعالیت‌ها برای این دسته مهم تلقی شده است.	تنها موضوع فعالیت‌های خدماتی در حیاط برای خانوارهای دهه ۶۰ اهمیت خود را از دست داده است.	از میان فعالیت‌ها، رخت پهن کردن و اهمیت حیاط به عنوان فضایی برای شست‌وشو اهمیت خود را از دست داده است.

برای داشتن تصویری روشن‌تر از ذهنیات افراد مورد بررسی، بحث در موضوعات جزئی (برحسب دسته‌های پنج‌گانه فعالیت) ادامه می‌دهیم.

۶-۱- فعالیت‌های طبیعت‌گرا در حیاط

فعالیت‌های طبیعت‌گرا در حیاط شامل فعالیت‌های «ورزش»، «نگهداری از حیوانات»، «باغبانی در حیاط» و «فعالیت‌های آفتاب‌گیر» اطلاق می‌شود. در بررسی کمی صورت گرفته این فعالیت‌ها برای میانگین پرسش‌شونده‌ها نسبتاً مهم هست. نکته قابل توجه در این زمینه اهمیت معنادار این فعالیت‌ها برای آپارتمان‌نشینان است. این مسئله نشان می‌دهد فقدان داشتن حیاط خصوصی برای آپارتمان‌نشینان بر روی پاسخ آنان تأثیر چشم‌گیری گذاشته است.

فعالیت باغبانی در حیاط برای همه نمونه‌های مورد بررسی مهم بوده است. پرسش‌شونده دهه ۱۳۷۰ در این باره می‌گوید: «وجود گل و گیاه یکی از بهانه‌هایی است که باعث حضور افراد در آن و آرامش فضای خانه می‌شود». پرسش‌شونده دهه ۱۳۴۰ از تجربیات تاریخی خود به این مسئله اضافه می‌کند: «هر دو خانه قدیم ما که بعد از ازدواجم در آن‌ها زندگی می‌کردیم وسعت زیاد داشتند و به نظرم حیاط باغچه و حوض معنای واقعی خود را پیدا نخواهد کرد. البته مسئله اشراف هم خیلی مهم است. قم در زمان قدیم به نظر شهر بسیار زیبایی بود. چرا که همه خانه‌ها در نهایت دوطبقه بودند و در حیاط‌ها می‌شد

نشست، و استفاده کرد». نگهداری حیوان تنها برای نمونه دهه ۹۰ مهم بوده است و مابقی نمونه‌ها اهمیت چندانی را برای این فعالیت از خود نشان ندادند. پرسش‌شونده دهه ۱۳۵۰ می‌گوید: «نگهداری پرند و مرغ و خروس خیلی در دسر دارد. فضای خانه را کثیف می‌کنند». در مقابل پرسش‌شونده دهه ۱۳۹۰ می‌گوید: «من داشتن پرند را در خانه خیلی دوست دارم. چون هم صدایش خانه را از سوت و کوری در می‌آورد. هم حضورش باعث نشاط در خانه می‌شود».

۶-۲- فعالیت‌های اصلی خانوادگی

فعالیت‌های اصلی خانوادگی در حیاط شامل «جمع‌شدگی خانوادگی»، «بازی کودکان»، «خلوتگاه فردی» و «خوابیدن در حیاط است». در بررسی کمی صورت گرفته دارای اهمیتی بیشتر از فعالیت‌های طبیعت‌گرا می‌باشند. این فعالیت‌ها نیز دارای اهمیت بیشتری برای آپارتمان‌نشینان به نسبت ساکنین خانه‌های حیاط‌دار هستند.

از میان انواع فعالیت‌ها در این دسته، فعالیت خواب در حیاط برای نمونه‌های ۴۰، ۶۰ و ۷۰ مهم بوده است. برای سایرین اما این فعالیت امری مهم تلقی نمی‌شود. شاید بتوان گفت افرادی که تجربه خوابیدن در حیاط را دارند به طرز قابل ملاحظه‌ای وجود این فعالیت را مهم می‌دانند. اگرچه این امر را نیز نمی‌توان منکر شد که دو مورد از سه مورد مهم پندار این مسئله در خانه‌های آپارتمانی زندگی می‌کنند. که ممکن است به دلیل حذف این

در آپارتمان‌نشینی به خاطر اعتراض همسایگان از دودین و سروصدا حاصل شده تخلیه کنند». پرسش‌شونده دهه ۱۳۶۰ نکته جدیدی را به این بحث اضافه می‌کند. وی می‌گوید: «من نوه کوچکی دارم که در آپارتمان زندگی می‌کند. اتاق وی در خانه‌شان بالکن کوچکی دارد و وی تمام وقت خود و بازی‌هایش را در این فضای کوچک انجام می‌دهد. با این‌که بسیار کوچک است. حتی وقتی ما به منزلشان می‌رویم با اشتیاق ما را آنجا می‌برد و آن فضا را به ما نشان می‌دهد».

۶-۳- فعالیت‌های اجتماعی اختصاصی حیاط

فعالیت‌های اجتماعی حیاط شامل «تعامل با غریبه»، «بدرقه و استقبال از مهمان» و «محل برگزاری مراسم اجتماعی» می‌باشد. این فعالیت‌ها در بررسی نظرات پرسش‌شوندگان کم‌ترین اهمیت را در میان همه فعالیت‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

تعامل با غریبه در حیاط برای اکثر نمونه‌ها به‌جز نمونه‌های دهه ۵۰ و ۹۰ مهم است. این نمونه‌ها از جمله نمونه‌های دارای حیاط بودند و این نشان از تمنای حیاط برای این فعالیت از سوی آپارتمان‌نشینان دارد. اما وجود حیاط به عنوان حدفاصلی میان محل زندگی و افراد غریبه (مثل کنترول‌نویس و غیره) و کاهش امکان ورود آن‌ها به محوطه زندگی برای تمامی دهه‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد. پرسش‌شونده دهه ۱۳۹۰ می‌گوید: «من اصولاً تعاملی با غریبه‌ها مثل همسایه‌ها و غیره ندارم از این‌رو افرادی که به منزلم مراجعه می‌کنند یا خودی هستند یا نمی‌آیند». پرسش‌شونده دهه ۱۳۷۰ برعکس این نظر را دارد: «من حیاط را حد فاصلی بین زندگی خصوصی و عمومی می‌بینم. بسیار اوقات که مثلاً همسایه در می‌زند و یا صحبتی دارد ترجیح می‌دهم داخل خانه این صحبت انجام شود تا جلوی درب خانه، و از این‌رو که هر لحظه ممکن است ایشان در بزند و خانه ریخت‌وپاش باشد. بهتر است این گفتگو در حیاط خانه که نامحرم حضور ندارد صورت گیرد». پرسش‌شونده دهه ۱۳۵۰ نیز می‌گوید: «به نظر من حیاط فضایی شخصی است که ممکن است در آن لباسی پهن شده باشد یا فعالیتی خدماتی در آن در حال رخ دادن باشد».

تعریف حیاط به عنوان محل برگزاری مراسمات اجتماعی برای خانواده‌های با نگرش‌های سنتی‌تر (دهه ۴۰، ۵۰ و ۷۰) مهم بوده است. پرسش‌شونده دهه ۱۳۴۰ می‌گوید: «وجود حیاط به‌خصوص حیاط بزرگ برای برگزاری مراسمات اجتماعی مثل مهمانی، هیئت و یا حتی عروسی و غیره بسیار خوب است. زیرا این حیاط هم می‌تواند به تفکیک جنسیتی زنان و مردان کمک کند و هم ازدحام جمعیت در داخل باعث گرم شدن فضا و مشکلات دیگر نمی‌شود. ما قدیم همه مراسمات مثل عروسی و ختم و غیره را در خانه می‌گرفتیم». این در حالی است که پرسش‌شونده‌های

تجربه از زندگی‌شان اهمیت آن را بیشتر از سایرین حس می‌کنند. پرسش‌شونده دهه ۱۳۶۰ می‌گوید: «خوابیدن در حیاط تجربه بسیار دلپذیری است و کسی که یک‌بار آن را امتحان کرده است قطعاً به دلپذیری و لذت‌بخشی آن پی می‌برد. در حال حاضر که ساکن آپارتمانیم حسرت داشتن حیاط و خواب زیر آسمان را می‌خوریم». در این زمینه پرسش‌شونده دهه ۱۳۷۰ نیز می‌افزاید: «خوابیدن در فضای باز و استفاده از تهویه طبیعی فعالیت بسیار خوبی است که ما در منزل قبلی‌مان (که مثل الان خصوصی و حیاط دار است) بدون هیچ وقفه‌ای در فصل تابستان از حیاط و بام برای خواب استفاده می‌کردیم. اما در حال حاضر به علت گرم شدن شب‌های تابستان و تغییر منزلمان دیگر مثل گذشته به آن نمی‌پردازیم». در مقابل پرسش‌شونده دهه ۱۳۸۰ می‌گوید: «خوابیدن در حیاط به نظرم کار مناسبی نیست چرا که به دلیل وجود وسایل سرمایشی این روزها نیازی به جابه‌جایی رخت خواب به‌صورت شبانه‌روزی نیست. علاوه بر این هوای داخل بهتر از بیرون است».

تعریف حیاط به‌عنوان خلوتگاه فردی برای تنها دو نمونه (۵۰ و ۶۰) کم‌اهمیت است و مابقی نمونه‌ها اهمیت بسیار زیادی برای آن قائل‌اند. این دو نمونه حیاط را به‌منزله فضایی خانوادگی و جمعی حس می‌کردند و اتاق‌ها را فضاهایی خلوت شخصی تعبیر می‌کردند. پرسش‌شونده دهه ۱۳۵۰ می‌گوید: «به نظر من حیاط فضای خلوت فردی نیست و بیشتر فضایی جمعی و یا خدماتی است و من فکر می‌کنم این اتاق است که جنبه خلوت فردی دارد». در مقابل پرسش‌شونده دهه ۱۳۷۰ می‌گوید: «نماز خواندن موجب احساس درونی بهتر و توجه بیشتر در نماز می‌شوند و من بسیار فکر می‌کنم استفاده از حیاط برای این منظورها خوب است. برای فعالیت درس خواندن نیز حیاط به علت دوری از هیاهوی تلویزیون و غیره و استفاده از هوای آزاد بسیار مثبت و لذت‌بخش است».

تعریف حیاط به‌عنوان مکانی برای جمع‌شدگی خانوادگی برای همه نمونه‌ها بسیار مهم است. در این بین تنها نمونه دهه ۹۰ است که این فعالیت را کم‌اهمیت می‌داند. پرسش‌شونده دهه ۱۳۶۰ می‌گوید: «در خانه حیاط دارمان ما تمام وقت خانوادگی در این حیاط بودیم. چراکه حیاط ما فضایی بود که از لحاظ حریمیت و وسعت شرایط خیلی خوبی داشت و سرسبز بود».

فعالیت بازی کودکان برای همه نمونه‌ها بسیار مهم است. البته در مصاحبه‌های انجام‌شده برخی از آن‌ها اظهار داشتند که بازی بچه‌ها در حیاط ممکن است موجب اختلال در فعالیت‌های خانگی آن‌ها شود. پرسش‌شونده دهه ۱۳۴۰ می‌گوید: «من وقتی بچه‌های امروزی را می‌بینم بسیار برای آن‌ها ناراحت می‌شوم. چراکه تحرک کم آن‌ها موجب بیماری آن‌ها می‌شود. کما این‌که وقتی از خانه بیرون می‌روند سعی می‌کنند عقده‌های خود را که

برای این فعالیت (حمام و آشپزخانه) اهمیت آن را برای آنان کمی کاهش داده است. پرسش‌شونده دهه ۱۳۵۰ می‌گوید: «فعالیت رخت پهن کردن در حیاط برای من یکی از مهم‌ترین کارکردهای حیاط است. چرا که لباس‌ها می‌توانند زیر نور خورشید و در معرض هوای آزاد خشک شوند و خانه و زندگی ما نیز خیس نمی‌شود و مزاحمتی برای ما ندارد». پرسش‌شونده دهه ۱۳۴۰ علاوه بر این نکته گفته شده می‌افزاید: «ما که به‌خاطر زندگی در آپارتمان چاره‌ای نداریم اما یکی از دلایل افزایش بیماری‌ها امروزه همین رفتارهای اشتباه است. چراکه لباس در معرض آفتاب از بسیاری از بیماری‌ها و میکروب‌ها ضدعفونی می‌شود». در این میان برخی از پرسش‌شوندگان مثل پرسش‌شونده ۱۳۸۰ بر لزوم استفاده از حیاط برای این فعالیت تأکید چندانی ندارند: «اگر تراس ما فضای دنجی داشت که لباس‌ها را در تراس یا فضای باز می‌گذاشتم اما در وضعیت فعلی آن‌ها را در آشپزخانه پهن می‌کنم تا آب ناشی از آن روی فرش نریزد». یا پرسش‌شونده ۱۳۹۰ که به نکته محرمیت در برابر پهن کردن لباس‌ها اشاره دارد. که اشراف‌های موجود در حیاط‌های امروزی در معرض دید بودن لباس‌های آویزان شده در حیاط را موجب شده است و این امر از نظر وی نامطلوب و بسیار بد است.

تعریف فضای پخت‌وپز در حیاط برای همه نمونه‌های موردبررسی بسیار مهم است. پرسش‌شونده دهه ۱۳۵۰ می‌گوید: «من تمام سرخ‌کردنی‌هایم را در حیاط انجام می‌دهم و به‌هیچ‌وجه در آشپزخانه انجام نمی‌دهم. چرا که همه خانه چرب و پر از دود می‌شود». پرسش‌شونده دهه ۱۳۴۰ با استناد به تجربه تاریخی خود به نکات قبل می‌افزاید: «در گذشته آشپزخانه ما فضایی بود که تنها اجاق در آنجا مستقر بود و هیچ فعالیت دیگری در آن انجام نمی‌شد. از این روست که یکی از علت‌های سلامت قدیمی‌ترها توجه به این نکات است. شرایط پخت‌وپز هم تغییر کرده و با یک آشپزی ساده خانه پر از دود و چربی می‌شود».

۷. نتیجه‌گیری

مرور ادبیات پژوهشی مربوط به حیاط در دوره اسلامی ایران در مسکن واجد مفاهیم بنیادی محرمیت، زنانگی، تمرکز فعالیت‌های خانگی و تقدس این مکان از دیدگاه دینی و اجتماعی است. همچنین بررسی‌ها حاکی از آن است که رواج ضوابط شهری جدید و معماری آپارتمانی، منجر به آن شده است که در واقعیت روزمره حیاط کاملاً از مرکز زندگی خارج شده و در حال انتقال به حاشیه است؛ بررسی موردی اینجا بر روی قشر مذهبی شهر قم نشان می‌دهد که به‌رغم حذف واقعیت مفهومی حیاط از زندگی روزمره، همچنان تصاویر ذهنی از حیاط مقدس، حیاط مرکز فعالیت و حیاط پیوسته با طبیعت و آسمان (به‌عنوان عنصر مقدس) در اذهان نسل‌های میانسال وجود دارد؛

جدیدتر برگزاری این فعالیت را در حیاط و به‌طورکلی خانه ضروری نمی‌دانند چرا که نگاه همه به ریخت‌وپاش پس از مراسم و کثیفی خانه اشاره دارند. پرسش‌شونده دهه ۱۳۸۰ می‌گوید: «خانه ما برای برگزاری مراسمات تنگ است. اما در کل به‌نظرم این مراسم‌ها در فضای بیرون از خانه انجام شود بهتر است. چراکه علاوه بر کثیفی خانه امکان سرویس‌دهی به آن‌ها نیز سخت است».

۶-۴- فعالیت‌های اختصاصی حیاط

فعالیت‌های اختصاصی حیاط شامل «پارک وسیله نقلیه»، «نگهداری وسایل خانه»، «دستشویی در حیاط» و «نظافت حیاط» می‌باشند. در بررسی کمی صورت گرفته این فعالیت‌ها بیشترین اهمیت را در بین سایر دسته‌های فعالیت برای پرسش‌شوندگان دارا بوده است.

وجود دستشویی در حیاط برای همه نمونه‌های مورد بررسی بسیار مهم بوده است. تنها نمونه دهه ۹۰ مورد بررسی اهمیت کمتری به نسبت سایرین را برای این مسئله قائل است. پرسش‌شونده دهه ۱۳۴۰ در این باره می‌گوید: «در گذشته سرویس بهداشتی در نقطه‌ای بسیار دور از خانه و در حیاط قرار داشت. این دوری باعث می‌شد علاوه بر تحرک افراد، بو و گازهای متصاعد شده از آن نیز در هوای آزاد دور از فضای زندگی خارج شود. اما امروزه ... همین جایی که غذای می‌خوری دو قدم جلوتر سرویس است. این باعث بسیاری از بیماری‌ها و عفونت‌ها در اعضای خانه می‌شود و به‌نظرم بسیار اشتباه است». پرسش‌شونده دهه ۱۳۷۰ کمی سابقه جدیدتر آن می‌گوید: «در خانه‌های جدیدتر حداقل برای سرویس بهداشتی تهویه‌ای طبیعی و ارتباطی با حیاط قائل بودند. اما امروزه در کنار اتاق خواب و بدون هیچ تهویه و نور طبیعی مکان‌یابی می‌شود».

فعالیت نظافت حیاط نیز از جمله فعالیت‌هایی است که برای همه نمونه‌های ما مهم بوده است. پرسش‌شونده دهه ۱۳۹۰ می‌گوید: «تمیزی حیاط مسئله‌ای بسیار مهمی است. چرا که در خانه‌های حیاط جلو، با باز شدن در خانه اولین جایی است که به بیرون دید دارد. به این خاطر اگر به‌هم‌ریخته باشد باعث می‌شود تصویری از کثیف بودن صاحب‌خانه به غریبه‌ها منتقل شود».

۶-۵- فعالیت‌های خدماتی غیراختصاصی حیاط

فعالیت‌های خدماتی حیاط شامل «رخت پهن کردن»، «فعالیت‌های خدماتی»، «پخت‌وپز» و «شست‌وشوی وسایل» است. این دسته از فعالیت‌ها تنها دسته‌ای از فعالیت هستند که برای دارندگان خانه‌های حیاط دار اهمیت بیشتری نسبت به آپارتمان‌نشینان دارد.

فعالیت رخت پهن کردن در حیاط برای همه نمونه‌های موردبررسی به‌جز نمونه دهه ۸۰ بسیار مهم بوده است. این نمونه به دلیل سابقه طولانی زندگی در آپارتمان (هم‌خانه خودشان و هم‌خانه پدریشان) و یافتن فضاهای جایگزین

در زیر آسمان، از جمله آن‌هاست. برای فرد مذهبی که با ادبیات روزمره اسلامی بزرگ شده باشد، بالطبع برای بهره‌مندی از این امر معنوی تمایل خواهد داشت؛ همین‌طور بحث حفظ حریم زنان و مردان در مراسم‌ها و آیین‌های خانوادگی، طبعاً باید خواست افراد را برای داشتن امکان برگزاری مراسم در حیاط خانه‌ها ترغیب کند؛ اما مفاهیم مدرن سکونت و کم‌اهمیت شدن کار خانگی، عدم تمایل نسل‌های متأخر مذهبی را به این کارکرد حیاط (به‌خاطر سختی نظافت)، ایجاد می‌کند. درعین حال باید عدم تجربه مستقیم برخی جوان‌ترها از بسیاری از کارکردهای حیاط را عامل این نگاه دانست که ترویج رسانه‌ای و آموزشی در تعدیل آن می‌تواند مؤثر باشد.

در مورد جوانترها نیز وجود این تصویر قابل انکار نیست، اما نمی‌توان تحول دیدگاه را هم انکار کرد. اهمیت یافتن فعالیت‌های خدماتی به صورت نگهداری اسباب و وسایل و یا بدرقه مهمان و در مقابل، کم‌رنگ شدن فعالیت‌های اصیل حیاط مانند جمع شدن خانواده، در سیر تدریجی از دهه‌های متقدم نسبت به متأخر، نشانه‌های این تحول است. مهم‌ترین تغییر مربوط است به مفهوم محرمیت اسلامی حیاط که منابع مختلف فوق به آن اشاره داشتند و زاننه بودن حیاط را هم می‌توان تابعی از آن دانست. برخی اظهارات مصاحبه‌شوندگان در مورد کارکردهای آیینی حیاط و حتی موجودیت خود حیاط، نشان از تغییر بنیادی برخی اصول سبک زندگی اسلامی دارد که اهمیت روحانی فضای باز و فضای سبز و نیز اهمیت تقدیسی بودن

پی‌نوشت

1. Fernand Bena

۲. در پژوهش‌های کیفی مردم‌نگاری، نمونه‌گیری هدفمند، کارآیی؛ بیشتری دارد، زیرا برخلاف نمونه‌گیری تصادفی که متکی بر به حداقل رساندن دخالت نظر و اراده محقق در انتخاب نمونه است این نمونه‌گیری اساس خود را بر شناخت محقق از موردهای مطالعاتی و انتخاب آن‌ها برحسب دارا بودن طیفی از ویژگی‌های مورد نظر پژوهش، قرار می‌دهد.

REFERENCES

- Ahmadi, F. (2005). The Courtyard in Iranian Architecture. *Soffeh*, (41), 90-113.
- Akkach, S. (2005). *Cosmology and Architecture in Premodern Islam: An Architectural Reading of Mystical Ideas*. SUNY Series in Islam. (Editor: S. H. Nasr). State University of New York, New York, USA.
- Ardalan, N., & Bakhtiar, L. (2002). *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture*. (H. Shahrokh, Trans.). Khak, Isfahan, Iran.
- Bandarabad, A. (2010). The Urban form and Urbanism: Studying the Effect of Urban Codes on City form of Tehran. *Manzar*, 9, 10-13. http://www.manzar-sj.com/article_399.html
- Beigzadeh Shahraki, H., & Karegar Shuraki, M. (2013). The Life of Shi'ieh and Its Effect on the Architecture of the Courtyards of the Traditional Houses of Yazd. *Chideman*, 2(3), 68-73. <https://www.magiran.com/paper/1210908>
- Bena, F. (1977). The Courtyard in Iranian Home. *MohitShenasi*, 8(8), 19-30. https://jes.ut.ac.ir/article_14984.html
- Canter, D. (1988). *Environmental (Social) Psychology: An Emerging Synthesis*. Environmental Social Psychology. (NATO ASI series. Series D, Behavioral and social sciences 45). Netherlands. Kluwer Academic Publishers: 1-18.
- Castello, L. (2010). Rethinking the Meaning of Place Conceiving Place in Architecture-Urbanism. (N. Rands, Trans.). Ashgate, UK.
- Christopher M.R., Kytta, M., & Stedman, R. (2017). Sense of Place, Fast and Slow: The Potential Contributions of Affordance Theory to Sense of Place. *Frontiers in Psychology*, 8, 1674. <https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/fpsyg.2017.01674/full>
- Costello, V.F. (1989). *Urbanization in the Middle East*. (P. Piran, & A. Rezaii, Trans.). Nashre- Ney, Tehran, Iran.
- Einifar, A.R., & Ghazizadeh, S.N. (2010). The Typology of Tehran Residential Building Based on Open Space Layout. *Armanshahr Architecture & Urban Development Journal*, 3(5), 35-45. http://www.armanshahrjournal.com/article_32654.html
- Falahat, M.S. (2005). The Role of Physical Design in Mosque's Sense of Space. *HONAR-HA- YE-ZIBA*, (22), 35-42. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=67845>
- Falahat, M.S. (2006). The Sense of Space and Its Factors. *HONAR-HA- YE-ZIBA*, 26, 57-66. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=64584>
- Farokhzad, M., & Modiri Dovom, I. (2014). An Investigation of the Open Space Design Peinciples With Regard to the Iranian Urban Development and Architectural Background. *Journal of Studies on Iranian Islamic City*, (16), 81-95. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=257025>
- Groat, L.N., & Wang, D.C. (2005). *Architectural Research Methods*. (A.R. Einifar, Trans.). Tehran University Press, Tehran, Iran.
- Haeri, M.R. (2009). *House in Culture & Nature of Iran*. Urban Planning and Architecture Research Center: Ministry of Housing and Urban Development, Deputy Minister of Urban Planning and Architecture, Office of Architecture and Urban Design, Tehran, Iran.
- Herdeg, K. (1990). *Formal Structure in Islamic Architecture of Iran and Turkistan*. Rizzoli International Publications, New York, USA.
- Iman, M.T. (2009). *The Paradigmical Basics of the Quantitative and Qualitative Research Methods in the Humanities*. Qom, Pazhouheshgah-e Howzeh va Daneshgah.
- Klein, R. (2014). Some Cosmological Roots of Modern Architecture. *YBL Journal of Built Environment*. 2(1), 5-17.
- Nari Ghomi, M. (2010). Introversion: A Conceptual Study about the Introversion in Islamic City. *HONAR-HA- YE-ZIBA*, 2(43), 69-82. https://jfaup.ut.ac.ir/article_23065.html
- Nasr, S.H. (1996). The Importance of the Void in the Islamic Art. *The Islamic Art and Spirituality*. H. Nasr (ed.). (R. Ghasemian, Trans.). Sazman-e Tablighat-e Eslami, Tehran, Iran.
- Noghrekar, A.H., Hamzenejad, M., & Bagheri, H. (2014). Sociability in Court of the Iranian Home (Recognition of Reinforce Ingredient Attendance in the Court, Method Analysis Scene of Cinema). *Iranian Architecture and Urbanism*, 7, 45-56. http://www.isau.ir/article_61982.html
- Overy, P. (1997). The Cell in the City. Chapter 6 in *Architecture and Cubism*. Edited and with an Introduction by E. Blau and N. J. Troy. Cambridge & Montreal. Centre Canadian d' Architecture/Canadian Centre for Architecture and Massachusetts Institute.
- Peterbridge, G. (2000). Vernacular Architecture: The Home and the Society. *Architecture of the Islamic World: Its History and Social Meaning*. Michell, G. (ed). (Y. Azhand, Trans.). Tehran: Mowla: 193-208.
- Rapoport, A. (2005). *The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach*. (F. Habib, Trans.). Tehran Municipality ICT Organization, Tehran. Iran.

- Rapoport, A. (2007). The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis. *TDSR. XVIII* (2), 57-72.
- Shayegan, D. (1993). Looking for Lost Spaces. *Name-ye Farhang*, 3(1), 140-149.
- Stierlin, H. (1998). Image du Paradis. (J. Arjmand, Trans.). Nashr va Pazhuhesh Foruzan Rooz, Tehran, Iran.
- Williams, D.R. (2014). Beyond the Commodity Metaphor, Revisited: Some Methodological Reflections on Place Attachment Research. *Place Attachment: Advances in Theory, Methods and Applications*. eds L. Manzo and P. D. Wright. New York, NY: Routledge: 89-99.

نحوه ارجاع به این مقاله

ناری قم، مسعود؛ ممتحن، مهدی و محلاتیان، علی. (۱۳۹۹). تغییر مفهوم کارکردی حیاط خانه در گذشته و حال، مورد مطالعاتی: قشر مذهبی در شهر قم. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳(۳۱)، ۱۸۱-۱۹۱.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.113268

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_113268.html



